

۲۰۱۱۹۳۷

غزلیات سعدی

مصلح بن عبدالله سعدی شیرازی

براساس نسخه‌ی محمدعلی فروغی

www.ketab.ir

انتشارات آراسته قلم

تهران - ۱۳۹۷

سرشناسه: سعدی، مصلح بن عبدالله، ۹۶۹۱ق عنوان و نام
پدیدآور: غزلیات سعدی / مصلح بن عبدالله سعدی شیرازی؛
براساس نسخه محمدعلی فروغی مشخصات نشر: تهران:
آراسته قلم، ۱۳۹۷. مشخصات ظاهری: ۲۹۳ ص شابک:
۹۹۳۵۳-۶۲۲-۹۷۸ وضعیت فهرست نویسی: فیبا موضوع:
شعر فارسی - قرن ۶ق. رده بندی کنگره: ک ۱۳۹۷ PIR۵۲۰۹
رده بندی دیویی: ۸۱/۳۱ شماره کتابشناسی: ۳۴۰۱۲۳۹

انتشارات آراسته قلم

تهران: خیابان وحید نزاری، پلاک ۸۸ طبقه ۴
تلفن: ۷۹۸۵۶ ۰۶

غزلیات سعدی

شرف الدین مصلح بن عبدالله سعدی شیرازی
براساس نسخه تصحیح شده محمدعلی فروغی

ناشر: انتشارات آراسته قلم
تیراژ: ۵۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۷

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۹۳۵۳-۳-۰

قیمت: ۴۵۰۰۰ تومان

مقدمه

به نام ایزد مهربان

دو سال پیش یعنی ۱۳۵۶ هجری، به سال قمری درست سال هفتصدم تصنیف «گلستان» شیخ سعدی بود و توجه به این امر اهل ذوق را به جنبش آورد که نسبت به شیخ اجل ارادتی بنمایند. نامادتی ببرند و اینجانب که از دیرگاهی در دنبال بودم که وسائل تهیه نسخه صحیحی از «گلستان» بدست آورم، برحسب اتفاق همان اوقات اسباب را بالنسبه فراهم دیدم و با مساعدت امنای وزارت فرهنگ نسبت شاهنشاهی، به انجام این کار دست بردم و نسخه‌ای که ترتیب دادیم در آغاز آن سال به دست صاحب نظران پسندیدند و به تعقیب این اقدام در آثار دیگر شیخ نیز ترغیب فرمودند. بنابراین در همان سال کتاب «بوستان» را نیز بر همان نمط منتشر ساختیم و اینک نوبت به غزلیات و قصاید و آثار دیگر شیخ رسیده و بنا را بر این گذاشته‌ایم که این جمله را هم در دو مجلد با تمام برسانیم. برای اینک خاطر دانشمندان از روشی که در گرد آوردن این دو مجلد پیش گرفته‌ایم آگاه باشد به توضیح کوتاهی می‌پردازیم:

۱- نخست اینکه هر یک از این دو مجلد مشتمل بر چه آثاری از شیخ بزرگوار خواهد بود و یکی از مهمترین تصرف ما در این کتاب همانست که در این باب بکار برده‌ایم، بر این پایه که قصاید و قطعات شیخ اکثر مشتمل بر موعظه و حکم است و از غزلیات رباعیات هم مقداری همین حال را دارد و بقیه مغازله و معاشقه است، چنانکه می‌توان کلیه آثار شیخ را به این دو قسمت منقسم ساخت: یکی موعظه و حکمت، دیگر مغازله و معاشقه. روشی که ما در راه ساختن این دو مجلد پیش گرفتیم مبنی بر این دو قسم است. بنابراین آنچه از غزلیات و رباعیات و قطعات را که صورت مغازله دارد، در یک مجلد گرد آوریم و آن همین کتابی است که فعلاً به نظر خوانندگان می‌رسد و قصاید را که اکثر مشتمل بر پند و اندرز است با غزل‌هایی که صرف حکمت و موعظه است و رباعیات و قطعاتی که این حال را دارد به مجلد دیگر که اگر توفیق انجام آن را یافتیم جلد آخر کلیات خواهد بود، محوّل می‌داریم. این تقسیم گذشته از اینکه به نظر ما تقسیمی طبیعی و منطقی است، این مزیت را هم دارد که اگر کسی معتقد باشد که خواندن اشعار مغازله برای کسانی که در آغاز جوانی هستند مناسب نیست، می‌تواند جوانان را از مطالعه این مجلد باز دارد و مجلد دیگر را بی دغدغه خاطر در دست آنان بگذارد.

۲- تصرف مهم دیگر ما اینست که در تدوین غزل‌ها و قطعات از پیروی ترتیب معمول که آنها را به چندین مجموعه بنام «طبیات» و «بدایع» و «خواتیم» و «غزلیات قدیم» و «ملمعات» و «صاحبه» قسمت کرده‌اند، صرف نظر کردیم و مجموعه غزل‌های معاشقه را در یک رشته بترتیب حروف قوافی منتظم نمودیم و از قطعات و رباعیات هم آنچه بر این منوال بود دنباله آنها قرار دادیم. کسانی که معتقدند که این تقسیمات از خود شیخ است، ممکن است این تصرف ما را نپسندند ولیکن آنچه ما را بر اختیار این روش برانگیخت این بود که یقین نمی‌توان داشت که این تقسیمات از خود شیخ باشد، زیرا دلایلی که معتقدان می‌توانند اقامه کنند یکی این است که کس دیگر غیر از شیخ چنین داعی داشته است بر اینکه غزل‌های او را این نحو تقسیم کند. دوم اینکه کمتر مجموعه‌ای از غزلیات دیده شده - حتی آنها که بسیار قدیمند - که این تقسم را نداشته باشند، با آنکه بعضی شده‌اند که از روی خط شیخ نوشته شده است. سوم اینکه از کلمات خود شیخ می‌توان دریافت که این تقسیم را کرده است، چنان که در پایان یکی از غزل‌های «طبیات» می‌گوید: چند خواهی گفت - بسیار - آخر ندارد و در پایان غزلی از بدایع می‌فرماید:

گرت بدایع سعدی بسد از دربار به پیش اهل معانی چه ارمغان آری

ولیکن در جواب دلیل اول می‌توان گفت که بدیمترین نسخه از کلیات که تاریخش معلوم است کمتر از بیست و چهار پنج سال از وفات شیخ فاصله ندارد و ما نمی‌دانیم تدوین‌کننده کلیات چه کس بوده و به چه نظر تدوین کرده است و از کجا به تدوین‌کننده غیر از خود شیخ نبوده و شاید ملاحظات و موجباتی برای این تقسیم داشته است که در ما مجهول است. و اما اینکه در بعضی نسخ قید کرده‌اند که از روی خط شیخ نوشته‌اند اولاً باین سخن اکتفا نمی‌توان کرد چون در بعضی دیده‌ایم که این ادعا حقیقت ندارد. ثانیاً با این که می‌دانیم که نسخه‌کنندگان مقید نبوده‌اند به اینکه در استنساخ کاملاً از نسخه اصل پیروی کنند، بر فرض که قول کنیم که از روی خط شیخ نوشته‌اند از کجا مطمئن شویم از خود تصرفی نکرده‌اند، چنانکه «ملمعات» را می‌بینیم در نسخه‌های بسیار قدیم باین اسم خوانده نشده و مثل اینست که اصلاً نامی برای آن نامی نهاده است چون می‌بینیم نسخه‌های قدیم آنرا «سعدی نامه» می‌نامند و یقین است که «سعدی نامه» اسمی نیست که سعدی بر «بوستان» نهاده باشد، در این صورت چگونه می‌توانیم یقین کنیم که مجموعه‌های غزلیات خود را بنامی خوانده باشد و این نام‌ها مانند نام «بوستان» جعل دیگران نباشد؟ خاصه اینکه نسبت به «ملمعات» این فقره را می‌توان یقین نمود زیرا که در نسخه‌های کهنه «ملمعات» را از غزل‌های دیگر جدا نکرده‌اند و معلوم است که این کار از خوش خیالی‌های دیگران است. در جواب دلیل سوم می‌گوییم از کجا می‌توان یقین کرد که مقصود شیخ در اشعار مزبور از «طبیات» و «بدایع» مجموعه غزلیات موسوم به «طبیات» و «بدایع» بوده است و اگر در باب

لفظ «طبیات» اظهار عقیده مشکل باشد بواسطه اینکه قرینه در دست ما نیست، در باب لفظ «بدایع» هیچ بعید نیست که معنی متعارف آن در نظر بوده است و من استیحا ش ندارم از اینکه فرض کنم وجود همین الفاظ در اشعار شیخ بعضی را محرک شده است که این اسامی را اختیار کنند.

و مانع بزرگ بر اعتقاد به اینکه اشاره شیخ در این اشعار بمجموعه «طبیات» و «بدایع» است، این است که در اینصورت باید قائل باشیم که شیخ قبل از آنکه مجموعه‌ها را گرد آورده باشد، این تقسیم را کرده و این نام‌ها را گذاشته است، به عبارت دیگر باید فرض کنیم وقتی شیخ بنا بر این گذاشته است که مجموعه‌ای از غزلیات درست کند و نامش را «طبیات» بگذارد، و مجموعه دیگر از غزلیات سازد و آنرا «بدایع» بخواند، ولیکن این فرض به نظر من معقول نیست و بسیار مستبعد است که شاعر غزل سرایش از سرودن غزل‌ها نیت کند که آنها را چند مجموعه بسازد و به هر یک نامی بگذارد و خاصه اینکه از تأمل در غزل‌های شیخ تقریباً یقین حاصل می‌شود که از غزل‌سرایی مذکور شاعری و تصنیف کتاب نبوده بلکه هر غزل را بطبیعت بنا بر مناسبتی و پیش آمدی و حسب حالی فرموده است، هر وقت به وصال می‌رسیده شادی خود را به شعر ابراز می‌نموده، و هر زمان به غم می‌رسیده به زبان شعر می‌نالیده است، و همچنین حالات دیگر، و شعر گفتن برای سعدی کاملاً مانند آوا خواندن کسانی است که شغلشان آوازه خوانی نیست و بمقتضای حال آوازشان می‌آید، یا مرغانه که اثر آب و هوا و حالات زندگانی سر و صدا می‌کنند و یک سر دلچسب بودن اشعار همین است.

البته این کیفیت مانع نیست از اینکه شیخ پس از آنکه مقدار زیادی غزل سروده آن‌ها را جمع آوری نموده و به نامی خوانده باشد و این احتمال محتمل و منطقی است، نسبی به غزلیات قدیم و خواتیم به ذهن بسیار نزدیک می‌آید جز اینکه فرضاً این احتمال را قریب بدانیم مشکل دیگری پیش می‌آید و آن این است که نسخه‌های کلیات درین قسمت متفق نیستند، بعضی یک غزل را در «طبیات» گذاشته‌اند، بعضی همان را در «بدایع» یا قسمت‌های دیگر قرار داده‌اند، چنانکه اگر هم می‌خواستیم آن تقسیمات را پیروی کنیم در بسیاری از غزل‌ها سرگردن می‌ماندیم که در چه قسمت بگذاریم.

ملاحظه دیگر اینکه غزل‌های شیخ سعدی، گذشته از قسمتی که به مواعظ و مغالزه کرده‌ایم، از جهت سنخ مطلب و مناسباتی که در آنها ملحوظ شود هیچ نوع تفاوتی با یکدیگر ندارند که موجب تقسیم بندی شود، و در تقسیمی که شده حتی پستی و بلندی اشعار چهارگانه هم غزل‌های بسیار بلند دیده می‌شود هم غزل‌هایی که نسبتاً پست‌تر است، پس این ملاحظه را هم نمی‌توانیم مأخذ تقسیم بدانیم.

حاصل اینکه این تقسیمات را نه می‌توان یقین داشت که خود شیخ کرده باشد، نه مبنی بر مناسباتی است که بتوانیم موجب قبول فرض کنیم، پس جایز دانستیم که آن را کنار گذاریم ولیکن برای کسانی که بخواهند بدانند هر غزلی در نسخه‌های چاپی و در نسخ متأخر جزء چه مجموعه‌ای قرار داده شده، در صدر غزل‌های پهلوی شماره علامت «ط» و «ب» و «خ» و «ق» و «م» گذاشته‌ایم که اولی اشاره به «طیبات» و دومی به «بدایع» و سومی به «خواتیم» و چهارمی «غزلیات قدیم» و پنجمی به «ملمعات» است.

در اینجا بی‌مناسبت نیست که خاطر نشان کنیم که از توجه دقیق و مقایسهٔ نسخ قدیم می‌توان قائل شد که تنظیم‌کنندگان اولی غزل‌ها یکنوع روابط معنوی و سنجیت شعری را منظور داشته‌اند که پس از اینکه ابوبکر بیستون کلیات را تنظیم کرده است، آن جهات و مناسبات از میان رفته است.

در آغاز «طیبات» در نسخ قدیم معمولاً اشعار «فضل خدای را که تواند شمار کرد» و «اول دفتر بنام ایردانا» در قفای یک بیت آمده، و پس از آن غزل‌هایی که در ستایش بزرگانست واقع شده^۱ و از آن پس غزلیات اصلی است و - چنانکه در ذیل صفحه ۲۵۶ اشاره کرده‌ایم، نخستین غزل آن «برآمد باد صبح و بوی نوروز» می‌باشد. نکتی هم که در پند و اخلاق و معرفتست در پایان کتاب فراهم آمده و با غزل‌های عاشقانه آمیخته نشده و در این نسخه‌ها نه تنها این نکات رعایت شده که آنچه در مدح یا در پند است یکجا باشد بلکه نایب‌های دقیق دیگری هم شده که با نظر تأمل و توجه باید نگریست.

مثلاً بعد از غزل «می‌روم وز سر حسرت بقفا می‌نرم» از سعدی اینک بقدم رفت و بسر باز آمد^۲ واقع شده که در نسخه‌های دیگر از خطی و چاپی غزل اول در «طیبات» و دومی را در «خواتیم» و یا در «قصائد» آورده‌اند.

همچنین غزل شماره ۳۷۹ که به این بیت تمام می‌شود:

سعدی از دست فراق همه روز این می‌گفت عهد بشکستی و من بر پیمان بودم

پیش از غزل ۳۸۰ است که به این بیت آغاز می‌شود:

آمدی وه که چه مشتاق و پریشان بودم تا برفتی ز برم صورت بیجان بودم

و به این ترتیب مطلع و مقطع این دو غزل که یک نوع پیوستگی دلپسندی دارند، به هم

۱- این غزلها را که ما در جزو مدایح بشمار آورده‌ایم بدین ترتیب است: ۱. ماه فروماند از جمال محمد. ۲. بنار ای خداوند اقبال سرمد. ۳. فلک را اینهمه نمکین نباشد. ۴. چه دعا گویمت ای سایهٔ میمون همای. ۵. آن روی بین که حسن پوشیده ماه را.

۲- نگاه کنید به این غزل قصیده وار (که هفده بیت دارد) در بخش قصاید، و بانویس فروغی دربارهٔ آن. پیداست که فروغی نمی‌توانسته است، این دو غزل را به علت تفاوت قافیه، از پی یکدیگر بیاورد.

مرتبط می‌شوند ولی در نسخ دیگر اولی در «طیبات» و دومی در «بدایع» (در بعضی نسخ هم در «خواتیم») ضبط شده.

سه غزل: «صبحی مبارکست نظر بر جمال دوست»

و «آن به که چون منی نرسد در وصال دوست»

و «گفتیم مگر بخواب بینم خیال دوست»

که هر سه بیک وزن و قافیت است در نسخ قدیم از پی هم است ولی در نسخه‌ای دیگر اولی را در «غزلیات قدیم» و دومی را در «خواتیم» و سومی را در «بدایع» آورده‌اند و ازین نمونه که به دست دادیم و نظائر آن هم بسیارست، بخوبی آشکار می‌شود که تقسیم غزلیات به کتاب‌های مختلف مأخذ معتبری ندارد و اگر هم شیخ سعدی غزلیات خود را با رعایت جهات و مناسباتی به صورت چهار پنج‌تاب در آورده باشد، بعد از و کتاب نسخ و تنظیم‌کننده فهرست غزل‌ها، بطوری آنها را به یکدیگر آمیخته که تنظیم آن به صورت اول بآسانی و بی وجود نسخه‌های تمامتر و قدیمتر ممکن نیست.

۳- تفاوت دیگری که نظیر غزل‌ها در این مجموعه با مجموعه‌های دیگر دارد، این است که در مجموعه‌های دیگر معمولاً حرف آخر قافیه یا ردیف غزل‌ها را گرفته آنها را به ترتیب حروف هجا مرتب نموده‌اند، ضمناً حرف اول از مصرع اول غزل را نیز در ترتیب رعایت کرده‌اند. ما در ترتیب غزل‌ها بحرف آخر اکتفا نکردیم و بعد از حذف آخر حرف ماقبل آخر و پس از آن حرف قبل از او را هم منظور داشتیم، به این ترتیب محال هر غزل را در مجموعه بهتر و زودتر می‌توان پیدا کرد و مابین چند غزل که حروف آنها همه مشترک باشد حرف اول مصرع اول مطلع را هم در ترتیب میزان تقدم قرار دادیم و این ترتیب این مزیت را هم دارد که غزل‌هایی که یک ردیف یا یک قافیه دارند دنبال یکدیگر واقع می‌شوند و می‌توان دانست که در غزلیات به فلان ردیف و فلان قافیه چند غزل هست و بعلاوه به فهرست جداگانه هم برای غزلیات حاجت نیست و هرکس قافیه و ردیف غزلی را بداند فوراً آن را در این مجموعه پیدا می‌کند. پس دانستن مصرع اول مطلع یا یک مصرع از مصرع‌های دوم هر غزل برای پیدا کردن آن کافی است و به ترتیب درست و جست و جو حاجت نیست و از حسن اتفاق این روش بطرز تنظیم کتاب‌های قدیم بیشتر نزدیک است چه در آن نسخ غالباً غزل‌هایی که ردیف و قافیه آنها یکی است و یا شبیه و نزدیک به هم است از پی یکدیگر در آمده است.

۴- چنانکه در ذیل صفحه ۶۸۲ گفتیم در یک یا دو نسخه غزل‌هایی یافتیم که گمان بردیم از شیخ نیست پس آنها را جداگانه به نام «ملحقات» در آخر کتاب قرار دادیم تا در باره آنها تحقیق و توجه بیشتر بشود اینک چنین می‌یابیم که غزل شماره ۲۸ و ۱۵۶ و ۲۲۰ و ۲۴۴ نیز سزاوار بود

ازین جمله بشمار آید. در عوض اشعار و قطعاتی که در «گلستان» آمده است، درجش را درین مجموعه لازم ندانستیم و آنچه را هم که مشتمل بر الفاظ و عبارات رکیک است شایسته حذف پنداشتیم و ضمناً خوانندگان را آگاه می‌سازیم که قسمتی از غزلیات که بصورت مجالس و به نثر است در نسخه‌های معتبر بسیار قدیم دیده نمی‌شود.

هروش ما در تصحیح غزلیات همان روشی است که در تصحیح «بوستان» بکار برده‌ایم، یعنی چند نسخه بسیار قدیم معتبر را که در دست داشتیم پیش گذاشتیم و متن معتبر پسندیده‌تر یافتیم اختیار نمودیم و اختلافاتی را که قابل توجه دانستیم نسخه بدل قرار دادیم و از آن پس متن مدون را با نسخه‌هایی که از اعتبار و صحت در درجه دوم و سوم واقع است، مطابقه و مقابله کرده و نسخه‌هایی را که قابل توجه یافتیم نیز در ذیل صفحات آوردیم و در هر مورد توجه تام ما، به نسخه نفیس آقاخان دانش خراسانی بوده است که بعد ازین معرفی خواهیم کرد.

گاه‌گاه اتفاق می‌افتد که نسخه بدلی که در ذیل صفحه آمده از متن صحیح‌تر و بهتر می‌نماید ولی مایشیوه خود را از دست ندادیم که اتفاق یا اکثریت نسخ کهنه معتبر را مناط می‌دانستیم و در دو سه مورد هم که ازین نسخه تجاوز روا داشته‌ایم، در ذیل صفحه بتصریح یاد کرده‌ایم.

و نیز خاطر خوانندگان را متوجه می‌کنیم که در کلیات شیخ، مانند بسیاری از شعرای متقدم، اشعاری دیده می‌شود که از جهت زیاده و نقصان یک حرف مانند «ت» و «م» و «ی» با سلیقه ادبای متأخر موافق نیست حتی اینکه شاید این قبیل اشعار را خارج از وزن بدانند و لیکن برحسب تتبع معلوم می‌شود که قدما این فقره را منافی وزن نمی‌دانستند و هر حال ما متوجه این معنی بوده‌ایم ولی تعرض آن را لازم ندانستیم.

عمر در تدوین غزلیات، گذشته از نسخه‌های چاپی مختلف، نسخه‌های خطی معتبر که در دست ما بود یک فقره همان نسخه‌هاست که در تصحیح «بوستان» و «گلستان» نیز مورد استفاده ما بوده و مختصات هر یک را در مقدمه آن دو کتاب که به چاپ رسیده بر شمردیم و در اینجا فقط چند نسخه معتبر دیگر را که در تصحیح غزلیات نیز از آنها استفاده بسیار کردیم، اجمالاً وصف می‌کنیم:

نسخه متعلق به دانشمند محترم آقای محمد دانش خراسانی که در اعتبار و صحت و قدمت کتابت بی‌مانند و شاید در دنیا بی‌نظیر باشد.

این دو نسخه «بوستان» و «گلستان» را ندارد و از بقیه کلیات در حدود یک عشر افتادگی دارد. تاریخ کتابت آن در پایان «رساله عقل و عشق» بدین عبارت است: «و کتبه العبد عبدالصمد بن محمد بن محمود اصلح الله شانه وغفر له ولوالدی فی شهر رمضان سنه احدی و عشرين و سبعمائه»

و از لطائف اینکه لرد گرینوی انگلیسی، نسخه‌ای داشته است که شامل «گلستان» و «بوستان» و کمی از غزلیات است و چنانکه در مقدمه «بوستان» یاد کرده‌ایم و برگ‌های عکسی آن در اختیار ماست این نسخه هم تاریخ کتابتش چنین نوشته شده «وقد فرغ من الانتساخ هذه الكتاب يعرف «بالسعدی نامه» فی شهر صفر ختم الله بالخیر و الظفر سنة عشرين و سبعمائة علی یدی العبد الضعیف المحتاج الی رحمة الله تعالی عبدالصمد بن محمد بن محمود بن خلیفه بن عبدالسلم البیضاوی اصلح الله شأنه و غفر لصاحبه و لمن قال آمینا» و چون این دو نسخه از قطع و خط یکسانست و کاتب هر دو عبدالصمد بن محمد محمود بوده، بطور قطع و یقین یک کتاب و یک دوره بوده که «بوستان» و «گلستان» آن را کاتب در صفر ۷۲۰ و قصائد و غزلیات و مجالس و غیره را در رمضان ۷۲۱ پیاپیان برده است.

باری - آنکه گفته شد این نسخه بسیار معتبر و صحیح است و بقدری مورد توجه و اعتماد ما بوده که در واقع آن را اصل متن قرار داده‌ایم و اگر هم در مواردی از آن عدول کرده‌ایم و متن را به حاشیه برده‌ایم، غالباً از آن به «قدیمترین نسخه» تعبیر شده است.

نسخه دیگر متعلق به «فایز ابی‌الیمان فروزانفر استاد دانشگاه است که آن نیز اعتباری بسزا دارد و ازین جهت بیشتر مورد توجه است که غزلیات آن بترتیب حروف اول هر غزل تنظیم شده، بی اینکه حروف آخر غزل رعایت شود - آنکه در مقدمه نسخ معمول کلیات آمده، چون ابوبکر بیستون در سال ۷۲۰ این روش را در تنظیم غزل - بی‌شیخ اختیار کرده و بعد از هفت سال یعنی در سال ۷۲۷ تنظیم فهرست را بحروف آخر غزل تبدیل نموده، اگر این نسخه که در تاریخ نوشته شده استنساخ شده است و بهر حال گذشته از نظر صحیح و مقابله، در انتساب غزلیات شیخ بقسمت‌های چهارگانه «طبیات» و «بدایع» و «خواص» و «غزلیات قدیم» این کتاب همواره مورد استفاده ما بوده است.

این نکته را ناگفته نگذاریم که این نسخه بوستان و قصائد فارسی را ندارد و همچنین بعضی از برگ‌های آن افتاده است و اتفاقاً در فهرست «طبیات» غزلی را یاد می‌کنند بدین مطلع است: «خیز تا فتنه‌ای بر انگیزیم» و ما این غزل را در آن نسخه و در نسخه‌های دیگر نیافتیم.

در مقدمه «گلستان» نسخه آقای بزرگزار را وصف کردیم و در اینجا می‌افزاییم که این نسخه نفیس بیاض مانند، گذشته از «گلستان» که بدون هیچ تغییر متن قرار داده شد و بچاپ رسید تقریباً شامل یک نهم از غزلیات نیز هست و در این موقع که به تصحیح غزلیات دست بردیم، از همان مقدار اندک استفاده بسیار کردیم و به صحت آن بیشتر مطمئن شدیم.

در سال ۱۹۱۸ مسیحی یک نفر ایرلندی موسوم به ل. وایت کینگ، غزلیات سعدی را از روی

نسخ قدیمه که در دسترس داشته^۱ بچاپ رسانده است. ازین دو دوره کتاب «بدایع» را مجدداً در برلن با همان اسلوب چاپ کرده اند که نسخه آن در تهران بسیار است ولی «طیبات» آن را که در تهران نیافتیم از لندن خواستیم و مخصوصاً از نسخه بدل‌هایی که در ذیل صفحات آمده استفاده کردیم.

نسخه دیگری نیز از کتابخانه دانشمند محترم آقای حاج حسین آقا ملک بدست آوردیم که شامل دو ثلث از غزلیات و قسمتی از قصائد عربیست. هر چند تاریخ کتابت ندارد ولی ظاهراً در اوایل قرن نهم نوشته شده و از نسخ صحیح و معتبر است که در دسترس ما بوده است.

۷. در بیان سخن واجب می‌دانیم که تکلیف سپاسگزاری خود را نسبت به کسانی که در این کار با ما یاری کرده‌اند ادا کنیم، مخصوصاً آنها که نسخه‌های نفیس خود را مدت‌ها با اختیار ما گذاشته‌اند و نام آن بزرگواران در مقدمه کتاب «گلستان» و «بوستان» و همین مقدمه برده شده است و وظیفه اخلاص من اینست از زحمات آقای حبیب یغمایی قدردانی کنم که در تهیه این مجموعه در همکاری با من به رجه اکمل و احسن همواره از تحمل هیچگونه تبعی خودداری نمودند، چنانکه شور و ذوق و برداری ایشان در انجام این کار عامل مؤثر بود و از این گذشته باید از وزارت فرهنگ دولت شاهنشاهی، شک کنیم که سلسله جنابان این اقدام شدند و هر چند اینجانب در این عمل برای خود نفعی، سطور نا داشته، و فقط بمتضای ارادت صادق بشیخ بزرگوار با کمال رغبت و اشتیاق تحمل زحمت و صحت وقت نمودم ولیکن بدون مساعدتی که وزارت فرهنگ در فراهم آوردن نسخ خطی به ما فرمودند، مدد مالی که برای چاپ کتاب به آقای یغمایی رسانیدند البته حصول این مقصود باین آسانی میسر نمی‌گردید.

محمّد علی فروغی - شهریور ۱۳۱۸

۱- مهمترین نسخه‌هایی که ناشر بد آنها دسترس داشته از اینقرار است: ۱. نسخه کتابخانه هند که در سال ۷۲۸ هجری نوشته شده (مانیز «گلستان» و «بوستان» این نسخه را از لندن عکس برداری کرده و در تصحیح آن دو کتاب در دست داشتیم). ۲. نسخه موزه لندن که تاریخ کتابت آن ۹۷۰ هجریست. ۳. نسخه کتابخانه ملی که در سال ۷۶۷ کتابت شده (ما نیز «گلستان» آن را عکس برداری و از آن استفاده کرده‌ایم). ۴. نسخه کتابخانه سلطنتی پتر و گراد که تاریخ کتابت آن ۷۸۷ هجری و مورد اعتماد مؤلف بوده است. ۵. نسخه معتبر دیگری که ناشر از روی نسخه کتابخانه شاهی کابل که در سال ۸۶۰ هجری نوشته شده استنساخ کرده بود. و غیر از اینها ناشر نسخ دیگری از خطی و چاپی در دست داشته که در مقدمه کتاب خود بتفضیل یاد کرده است. این نکته نیز در خور توجه است که این ناشر نیز تقسیم غزلیات را در همه نسخه‌هایی که در دست داشته به یک ترتیب نیافته است.